

بررسی قراءات قرآنی از دیدگاه شیعه

اثر: دکتر محمدحسن فؤادیان

استادیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران

(از ص ۳۷ تا ۵۵)

چکیده:

با توجه به ویژگیهای خط عربی و وجود لهجه‌های مختلف در میان اقوام عرب در باره قرائت قرآن و اداء کلمات نورانی آن، اختلافاتی در باره قرائت قرآن در میان مسلمانان از همان آغازین روزهای گسترش اسلام پدیدار گشت. ناتوانی عده‌ای در فراگیری و قرائت قرآن *کَمَا أَنْزَلَ* و شوق قرائت و تعلیم آن موجبات نشر اختلافاتی در قرائت گردید و این همه بعد از تلاش خلفا بویژه عثمان برای محو اختلافات صورت می‌گرفت با گذشت نزدیک به یک قرن از نزول قرآن عده‌ای آشنا به فن قرائت با نام *امامان قرائت* در میان مردم شهرت و اعتباری یافتند و به تعلیم قرآن پرداختند و گروهی دیگر که به *راویان قراءات* مشهور گردیدند به ثبت و نقل آنچه از امامان قرائت می‌یافتند، مبادرت نمودند. با گذشت زمان و تدوین *علم قراءات* و تعیین *عدد قراء* توسط محققین علوم قرآنی مانند ابن مجاهد بحث *تواتر قراءات* و رد و اثبات آن در میان مسلمین و اهل نظر بالا گرفت. (این مقاله بررسی مختصر تاریخچه قراءات و بیان دیدگاه علماء شیعه درباره تواتر و یا عدم تواتر آن می‌باشد).

واژه‌های کلیدی: قرآن کریم، علم قراءات، علماء امامیه، تواتر قراءات،

حدیث سبعة أحرف.

مقدمه:

الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على سيدنا و نبينا محمد و آله الطاهرين .

در میان مسلمانان علمی هست که موضوع بحث آنها خود قرآن مجید می باشد ، تاریخ پیدایش این علوم نخستین روزهای نزول قرآن است و بتدریج مسائل آنها در میان مردم گسترش یافته و تنقیح شده تا بحد کمال رسیده و بالاخره محققین این علوم تألیفاتی در باره آنها نموده و کتابهای بی شمار نوشته اند .

برخی از این علوم به الفاظ قرآن کریم و برخی به معانی آن می پردازد . علمی که در الفاظ قرآن بحث می کند علم تجوید و علم قرائت است ، تجوید در کیفیت تلفظ بحروف تهجی و حالات و عوارض آن در لغت عرب در میان الفاظ مفرد و مرکبه مانند ادغام و تبدیل حروف و احکام وقف و ابتداء و نظائر آن بحث می نماید که با پرداختن به اختلافات در لهجات مختلفه عربی وارد بحث قراءات می شود ، و علم قرائت به ضبط و توجیه قرائتهای هفتگانه معروف و قرائتهای سه گانه دیگر و یا قرائتهای صحابه و شواذ قرائتها می پردازد .

راغب اصفهانی در معنی قرائت می گوید : *القراءة ضم الحروف و الكلمات بعضها الى بعض* (مفردات قرآن) یعنی قرائت پیوسته نمودن برخی از حروف و کلمات به یکدیگر است .

ابن منظور گفته است : *" و معنى قرأت القرآن لفظت به مجموعاً ای : القیته "* (لسان العرب ج ۱ ص ۱۲۸) معنی قرآن را قرائت کردم ؛ یعنی آن را به صورت مجموع و به هم پیوسته از دهان بیرون افکندم ؛ یعنی آن را بیان نمودم .

و قرائت در اصطلاح همان خواندن و تلاوت قرآن است و لازمه آن آشنایی با تجوید حروف و آگاهی بر مواضع وقف و وصل است . و نیز گفته اند : قرائت شیوه ایست که یکی از امامان قرائت برای تلاوت و نطق به قرآن برگزیده باشد .

قراءات علمی است که در باره صور گوناگون ادای کلمات قرآنی با توجه به اختلافاتی که برخی آن را متواتر و گروهی غیر متواتر می دانند ، بحث می کند .
ابن جزری در تعریف علم قراءات گوید : " القراءاتُ علمٌ بکفییةِ اداءِ کلماتِ القرآن و اختلافِها معزواً لناقله " (منجدالمقرئین ص ۳) یعنی : " علم قراءات آگاهی از کیفیت ادای کلمات قرآن و اختلافات موجود در ادای آن با انتساب هر وجهی به راوی آن است "
با توجه به تعاریف مذکور در کتب قراءات در عبارتی کوتاه می توان گفت :
" علم قراءات آگاهی بر کیفیت ادای کلمات قرآن با استناد به راویان و ناقلان آن است "

اختلاف در قراءات

قرآن معجزه جاودان پیامبران و جان محمد مصطفی (ص) در طول بیست و سه سال بر آن حضرت نازل شد و آن حضرت نسبت به فراگیری ، حفظ و قرائت آن سفارشات بسیار فرموده اند و پیروان راستین ایشان نیز سعی وافر در یادگیری ، حفظ و قرائت صحیح آن می نمودند . با گسترش دعوت پیامبر (ص) و گرایش روز افزون اقوام و قبائل مختلف به آیین اسلام شیفتگان فراگیری کلام الهی نیز افزون گردیدند ، و به واسطه اختلاف در لهجات و اعمال آن در قرائت قرآن که خدای آن را به زبان و لغت و لهجه پیامبرش بر آن حضرت نازل فرموده است « إِنَّمَا يَسْرُنَا بِلِسَانِكَ ... ۹۷ / مریم » اختلاف در قرائت آشکار گردید و پیامبر رحمت نیز تا آنجا که اختلاف مقصور به لهجات بود و اسباب تغییر و تبدیل در کلام خدا راه نمی یافت بر ایشان سخت نمی گرفتند ، ولی برای اتحاد در قرائت و زدودن هر گونه اختلاف در آن می فرمودند : « لَوَ أَنَّ النَّاسَ قَرَأُوا الْقُرْآنَ كَمَا أَنْزَلَ مَا اخْتَلَفَ اثْنَانِ » (بحار الانوار ج ۸۹ ص ۴۸) (اگر مردمان قرآن را آنگونه که نازل شده است قرائت نمایند دو نفر نیز با یکدیگر اختلاف ننمایند) .

با این همه با توسعه و گسترش بیش از پیش دامنه نفوذ اسلام به اقصی نقاط جزیره العرب بویژه بعد از وفات آن حضرت اختلافات افزون گشت تا آنجا که برخی بواسطه ویژگی خط عربی در آن دوران که برخی از الفاظ را محتمل قراءات و اداء مختلف می نمود - و عوامل دیگری که ذکرش در این مجال نگنجد - پای از دایره محدود لهجه‌ها فراتر نهاده و الفاظ را دستخوش تغییر نمودند که این کار بر خاصان و آشنایان به نحوه قرائت پیامبر گران آمده و سعی وافر در اتحاد قرائت مسلمین نمودند و بویژه در عهد عثمان و به فرمان او به احراق نسخه‌های متفرقه قرآن مبادرت گردید ، و با جمع و تدوین آنچه در سینه‌ها و حافظه قراء و اصحاب پیامبر بود مصحف « امام » را نگاشته و به بلاد مختلف ارسال کردند تا مسلمانان را از اختلاف در قرائت آیات الهی باز دارند . ولی با گذشت زمان و ویژگی خط این مصاحف ، شعله اختلاف خاموش نگردید ، و تا این اختلافات پدید گردید و گروهی نیز با دامن زدن به تعبیرات و فهم ناصحیح خود از حدیث منقول و منسوب به پیامبر که فرموده اند : « نُزِّلَ الْقُرْآنُ عَلَى سَبْعَةِ أَحْرَفٍ » به ترویج و تعلیم آموخته‌ها و اختیارات خود نمودند تا آنجا که مردم را چنین باور افتاد که این قراءات از ناحیه رسول خدا و تجویز ایشان است ، و آنان که دلدادگان عترت پیامبر بودند برای کسب تکلیف در این باره به خاندان پاک آن حضرت مراجعه نموده و نظر ایشان را جویا می شدند . و آن بزرگواران نیز با پاسخهای مناسب و صریح راه پیروان خود را از بیراهه‌ها و کج رویهای پیش آمده جدا می فرمودند ، که در جای خود به آن سخنان اشاره می شود .

منشاء اختلاف در قراءات

برخی با اعتقاد به تواتر قراءات مختلفه منشاء و عامل اصلی اختلاف در قراءات را خدا و رسولش می دانند و اختلافات باصطلاح متواتر را وحی الهی بر پیامبر

می دانند و این رأیی بی اساس و باطل است چون هر صاحب فهمی با نگاهی گذرا به تنوع بسیار اختلافات موجود، نیک در می باید تواتر این همه از نظر عقل محال است و با توجه به عواملی که برای اختلافات بر شمرده اند بی پایه و اساس بودن قول قائلین به تواتر مبرهن می گردد.

عوامل مهمی که به نظر می رسد در پیدایش اختلاف در قراءات مؤثر بوده اند، عبارتند از:

۱ - ویژگیهای خط عربی

خط عربی در آن روزگار مرحله ای ابتدائی داشت و چون تا قبل از ظهور اسلام و نزول قرآن از نیازهای اصلی و ضروری مردم به شمار نمی آمد، چندان در تقویت و استحکام آن نمی کوشیدند ولی با ظهور اسلام و نزول قرآن و ضرورت فراگیری صحیح آن توسط مسلمین و حرص در تعلیم و خوف از تحریف کتاب الهی، خط عربی راه شکوفائی و کمال را پیمود، به گونه ای که هم اکنون یکی از عرصه جمال و جلال است.

از ویژگیهای خط عربی در صدر اسلام که منشاء برخی اختلافات نیز گردیده است، می توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف - تشابه در حروف

در رسم الخط بعضی حروف شباهتهائی بود که تشخیص دو حرف از یکدیگر را ناممکن می ساخت، مثلاً در آخر کلمات *نون* را مانند *راء*، و *میم* را شبیه *واو*، و *دال* را چون *کاف* می نوشتند.

ب - حذف یا زیادت برخی از حروف

گاهی بدون سبب *الف*، *واو*، یا *یاء* را حذف می کردند مانند: *عاداً الأولى* که *عاد الأولى* می نوشتند که بین فعل یا اسم بودن آن اشتباه می شد.

و یا الفی می افزودند ، مانند : انما اشکوا بئى و فلا یربوا ...

ج - حذف الف وسط در بسیاری از کلمات

در این صورت علاوه بر اختلاف لفظی ، معنا هم تغییر می کند ، مانند : مهّاداً و مهّداً ، میخادعون و یخدعون .

د - نداشتن نقطه

حدود نیمی از حروف در الفبای عربی در شکل مشابه اند و نداشتن نقطه یا علامت دیگری که آنها را از یکدیگر مشخص سازد ، سبب اختلافات بسیاری در قرائت گردیده است و اگر توجه مسلمین و اعتماد ایشان بر حفظ قرآن نبود ، چه بسا اختلافانی از اینگونه ، قابل احصاء نبود . حروف مشابه عبارتند از :

(ب ، ت ، ث) ، (ج ، ح ، خ) ، (د ، ذ) ، (ر ، ز) ، (س ، ش) ، (ط ، ظ) ، (ع ، غ) و

ف ، ق) ...

برای مثال می توان به اختلافات زیر اشاره نمود :

- کسائی : (فَتَبَّئُوا) را (فَتَبَّئُوا) خوانده است (حجرات ، آیه ۶)

- ابن عامر ، عاصم ، حمزه و کسائی : (نُنْشِرُهَا) را (نُنْشِرُهَا) خوانده اند (بقره ،

آیه ۲۵۹)

و از این قبیل است : (يَكْفُرْ عَنْكُمْ ، تُكْفِّرْ عَنْكُمْ) ، (نُنْحِيكَ ، نُنْحِيكَ) ، (تَغْفِرْ ، يَغْفِرْ ،

تَغْفِرْ) و (عَمَّا يَعْمَلُونَ ، عَمَّا يَعْمَلُونَ) .

ه - فقدان هر گونه شکل (حرکت) در حروف :

با توجه به نقش بسیار و تأثیر به سزای حرکات در تغییر معانی کلمات ، فقدان آن موجب اختیاراتی در قرائت گردیده است ، مثلاً قاری به قرینه ، صیغه امر را متکلم ، و مجهولی را نهی تلاوت نموده است ، مانند ، حمزه و کسائی که کلمه اَعْلَمُ در آیه « قَالَ اَعْلَمُ اَنَّ اللّٰهَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ » (بقره ، ۲۵۹) را اِعْلَمُ به صیغه امر خوانده اند .

- و نافع مدنی در آیه « وَلَا تُسْأَلُ عَنْ اَصْحَابِ الْجَحِيْمِ » (بقره ، ۱۱۹) وَلَا تُسْأَلُ ، به

صیغه نهی قرائت نموده است .

۲ - اختلاف در لهجه‌های قبائل عرب

بدون شک اختلاف لهجه‌های عربی تأثیر مشهود و به سزائی در ایجاد اختلاف قراءات و رشد آن داشته است ، غیر از فرش الحروف اکثر و اغلب اختلافات در قراءات از لهجه‌های قبائل مختلف عرب سرچشمه گرفته است ، تنها با شمارش برخی موارد اختلاف در لهجات نسبت به تأثیر عمیق آن در قراءات مختلفه قرآنی واقف می‌شویم مانند :

الف - اختلاف در حرکات ، مثلاً در لهجه قبائل قیس و اسد (نَسْتَعِينُ) به فتح نون اداء می‌شود و غیر از ایشان به کسر نون اداء می‌نمایند یعنی : نَسْتَعِينُ .

ب - اختلاف در حرکت و سکون ، مانند : مَعَكُمْ و مَعَكُمْ .

ج - اختلاف در اداء همزه ، برخی آن را به تسهیل و اغلب به تحقیق اداء می‌نمایند ، مانند : اَأَنْتُمْ که اَهَنْتُمْ تلفظ نموده‌اند .

د - اختلاف در تقدم و تأخیر ، مانند : صاقعه و صواقع .

ه - اختلاف در اثبات و حذف ، مانند : اسْتَحْيَيْتُ و اسْتَحْيَيْتُ .

و - اختلاف در اماله و تفخیم ، مانند : قَضَى و قَضَى ، رَمَى و رَمَى .

ز - اختلاف در چگونگی رفع التقاء الساکنین ، مانند : قُلْ اذْعُوا ، قُلْ اذْعُوا .

ح - اختلاف در ادغام و عدم آن ، مانند : يَهْتَدِي و يَهْتَدِي ، قَالَ لَهُمْ و قَالَ لَهُمْ ، يَتَذَكَّرُونَ و يَتَذَكَّرُونَ .

ط - اختلاف در شکل جمع ، مانند : أُسْرَى و أُسْرَى جمع اسیر ، و فَعَلَات و فَعَلَات جمع فَعَلَة .

ی - اختلاف در اعراب ، مانند : اِنْ هُدَانِ و اِنْ هُدَانِ . (بنی الحارث بن کعب یاء ساکن ما قبل مفتوح را به الف تلفظ کرده‌اند) .

ك - اختلاف در برخی از مصادر ، مانند : کذاب در لهجه یمن و تکذیب در لغت فصیح .

- ۳- اختلاف روایت از صحابه رسول خدا (ص)
- ۴- اختیار و اجتهاد در قرائت و التزام به رأی شخصی
- ۵- عدم تشخیص منضمات و تلفیقات تفسیری از متن قرآن
- ۶- اعتقاد به اشتباه نسخه
- ۷- اهداف سیاسی
- ۸- نظرات کلامی

(برای آگاهی بیشتر در منشاء اختلافات مراجعه کنید به : ● دراسة اللهجات العربية القديمة، الدكتور داود سلوم. ● التمهيد في علوم القرآن، محمد هادي معرفت، ج ۲. ● فقه اللغة، ابوالحسن بن فارس.)
احصاء موارد مذکوره در پیدایش اختلافات باور و اعتقاد ما را به این کلام الهی که « **أَنَا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ** » بیشتر می‌کند و در می‌یابیم که قرآن در پیچ و خم راههای پر خطر تحریف و تغییر چه نیکو اعجاز خود را به نمایش می‌گذارد ، و خداوند دستهای مغرضین را کوتاه می‌کند و آرزوهای ایشان را بر باد می‌دهد .

احادیث سبعة احرف و قراءات سبع

در کتابهای حدیث اهل سنت از پیامبر اکرم (ص) حدود چهل حدیث روایت کرده‌اند که در آنها به نزول قرآن بر هفت حرف به گونه‌ای اشاره شده است . احادیث روایت شده با یکدیگر اختلافات قابل توجهی دارد ولی آنچه در تمامی آنها مشترک است ، عبارت « **نُزِّلَ الْقُرْآنُ** » و یا « **أُنزِلَ الْقُرْآنُ عَلَى سَبْعَةِ أَحْرَفٍ** » می‌باشد .
چون عده‌ای احادیث سبعة احرف را با موضوع اختلاف قراءات مرتبط دانسته‌اند در اینجا علاوه بر بررسی اصل برخی از این احادیث ، عدم ارتباط آن با قراءات و نظر علماء شیعه را در باره آن بیان خواهیم کرد .

قراءات و نظر علماء شیعه را در باره آن بیان خواهیم کرد .

ذکر برخی از احادیث سبعة احرف

۱ - در صحیح مسلم و صحیح بخاری از ابن شهاب آمده است که : گفت
عبدالله بن عبدالله از عبدالله بن عباس و او از رسول خدا (ص) روایت کرده است
که آن حضرت فرمود :

جبرئیل هفت قرآن را با یک حرف بر من قرائت نمود ، پیوسته از او افزونی در
قرائت خواستم و او می افزود تا به هفت حرف رسید .

۲ - از ابن شهاب با همان سند روایت شده است :

عمر شنید که هشام بن حکم قرآن را در نمازش به نوعی می خواند که برای او
آشنا نبود ، تو را نزد رسول خدا (ص) آورد آن حضرت فرمود :

همینطور نازل شده است ، این قرآن بر هفت حرف نازل شده است هر چند
برایتان میسر است ، از آن بخوانید .

۳ - از ابی بن کعب روایت شده است : رسول خدا (ص) جبرئیل را دیدار کرد ،
به او گفت : من به سوی امتی امی فرستاده شده ام ، در میان ایشان پیر مردان و پیر
زنان کهنسال و غلامان و کنیزکان و مردم بی سوادى که هرگز کتاب نخوانده اند
می باشد ، جبرئیل گفت : ای محمد همانا قرآن بر هفت حرف نازل شده است .

۴ - از ابی جهیم انصاری روایت شده است که دو مرد در آیه ای از آیات قرآن
اختلاف نمودند پس نزد رسول خدا (ص) رفتند ، آن حضرت فرمود : این قرآن بر
هفت حرف نازل شده است در آن مراء ننمائید که مراء در قرآن کفر است .

۵ - از ابوهریره نقل است که پیامبر اکرم (ص) فرموده اند : قرآن بر هفت حرف
نازل شده است علیماً ، حکیماً ، غفوراً ، رحیماً .

۶ - ابوهریره گوید رسول خدا (ص) فرموده اند : این قرآن بر هفت حرف نازل

شده است پس بخوانید که بر شما حرجی نیست ، اما ذکر رحمت پروردگار را با عذاب او و ذکر عذابش را با رحمتش به پایان نبرید .

بررسی روایات سبعة احرف

با بررسی روایات موجود در باره نزول قرآن برحروف هفتگانه ، تزلزل ، تناقض و جعل آنها به خوبی آشکار می شود ، بی گمان دینی که معجزه جاویدش کتاب آسمانی آن است ، سرنوشت قرائت آن کتاب را به دلخواه مردم واگذار نمی کند ، چگونه است که برخی به خود اجازه می دهند کلمات قرآنی را تبدیل و تحریف کنند و در توجیه کار خویش آن را به پیامبر (ص) نسبت دهند در حالی که خداوند به رسولش می فرماید :

« قُلْ مَا يَكُونُ أَنْ أُبَدَّلَهُ مِنْ تَلْقَاءِ نَفْسِي » (بونس آیه ۱۵)

گویند انس می خواند : « ان ناشئة الليل هي اشد وطأ واصوب قیلاً » به او گفتند : ای ابا حمزه آن « اقوم قیلاً » می باشد . انس در جواب گفت : اقوم واصوب و اهدی همه یکی است !! (تفسیر طبری ج ۱ ص ۱۸)

و نیز نقل است که ابن مسعود آیه « أَوْ يَكُونُ لَكَ نَيْتٌ مِنْ زُخْرَفٍ » را مِنْ ذَهَبٍ و « الْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ » را الصوف المنفوش و ... می خوانده است .

و ابوهریره گفته است : تبدیل علیماً حکیماً به غفوراً رحیماً جایز است !! و به نظر ما آنکه اینگونه بیانید از روی جهل یا عالمانه قصد تحریف و تغییر و تبدیل آیات الهی را نموده است و گناهی نابخشودنی مرتکب گردیده و خوشبختانه این کجرویها چندان موفق نبود و هشپاری مسلمین و وجود حجج الهی و امامان شیعه سدی محکم در مقابل این کجرویها بود ولی تأثیر همین نارواهاست که بابی وسیع برای اختلاف در قرائت گشود .

حضرت آیه الله العظمی خوئی (ره) فرموده اند : این احتمال (احتمال جواز

تبدیل کلمات قرآن به مترادفات آن (موجب تزلزل و ویرانی اساس قرآن می‌گردد ، قرآنی که معجزه جاوید و حجت بر آدمیان است هیچ عاقلی تردید ندارد که این کار موجب کنار نهادن قرآن مُنَزَّل الهی و بی اعتنائی به شأن آن می‌گردد ، آیا شخص عاقل گمان می‌برد که رسول خدا (ص) اجازه دهد که کسی سوره یس را چنین بخواند : یس و الذکر العظیم انک لمن الأنبیاء علی طریق سوی انزل الحمید الکریم لتخوف قوماً ما خوف اسلافهم فهم ساهون !! .

پس در این صورت چشم کسانی که این کار را جائز می‌دانند روشن : (سبحانک هذا بهتان عظیم) .

و در ادامه می‌فرماید :

و این در حالی است که پیامبر خدا (ص) دعائی به براء بن عازب می‌آموزد که در آن لفظ (و نبیک الذی ارسلت) آمده بود ، براء آنرا (و رسولک الذی ارسلت) خواند ، پیامبر خدا (ص) او را امر کرد که رسول را جای نبی نگذارد .

وقتی شأن دعانزد رسول خدا (ص) اینچنین است ، ترا با قرآن چه کار است در حالی که آن کلام نازل شده‌ جاودان الهی است . (البیان ص ۱۲۵ - ۱۲۶)

حدیث سبعة أحرف با قول و فعل رسول خدا (ص) موافق نیست

رسول خدا (ص) می‌فرماید :

«لَوْ أَنَّ النَّاسَ قَرَأُوا الْقُرْآنَ كَمَا أُنزِلَ مَا اخْتَلَفَ اثْنَانِ» . (بحار الانوار ج ۸۹ ص ۴۸)

اگر مردم قرآن را آنچنان که نازل شده است ، قرائت کنند ، دو نفر هم با یکدیگر مختلف نگردند .

و ابن مسعود گوید :

رسول خدا (ص) سوره‌ای از حوامیم برای من تلاوت فرمود ، بعد از آن به مسجد رفتیم ، به مردی که آنجا بود گفتم آن را بخواند ، آن مرد سوره را به گونه‌ای

با او نزد پیامبر رفتیم و آن حضرت را مطلع ساختیم، چهره مبارک آن حضرت متغیر گشت و فرمود: «همانا آنها که قبل از شما بودند، به واسطه اختلاف هلاک شدند» سپس به آهستگی با علی (ع) سخنی گفت که بعد از آن علی (ع) فرمود: رسول خدا شما را امر می‌کند آنگونه که به شما آموزش داده شده است، قرآن را بخوانید. آنگاه برگشتیم و هر یک خلاف یکدیگر قرائت می‌نمودیم.

و نیز آن حضرت فرموده است:

«مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَقْرَأَ الْقُرْآنَ غَضًّا كَمَا أَنْزَلَ فَلْيَقْرَأْ قِرَاءَةَ ابْنِ أُمِّ عَبِيدٍ» (مستدرک، الحاکم ج ۳

ص ۳۶۸)

هر کس دوست دارد قرآن را تر و تازه آنگونه که نازل شده است قرائت کند، پس باید مانند ابن‌ام‌عبد قرائت کند.

از روایات مذکوره چنین نتیجه می‌گیریم که پیامبر خدا (ص) از اختلافات مردم در قرائت قرآن نگران بودند و به شیوه‌های مختلف مسلمین را دعوت به قرائت واحد می‌نمودند و این روایات صریحاً بر نزول قرآن به یک صورت دلالت دارد. عبارت زیبای *کَمَا أَنْزَلَ* در این روایات به خوبی این معنا را ثابت می‌کند.

حدیث سبعة أحرف مخالف قول ائمه معصومین (ع) است

با توجه به سفارش رسول اکرم (ص) در باره تمسک به قرآن و اهل بیت (ع) در حدیث شریف ثقلین، یکی از معیارهای سنجش احادیث مشکوک و منسوب به پیامبر خدا، سخن عترت پاک آن آنحضرت است که با اسناد صحیح به ما رسیده باشد.

در باره حدیث سبعة أحرف فضیل بن یسار از امام صادق (ع) سؤال کرد ^{۱۳}

الناس يقولون نُزِّلَ الْقُرْآنُ عَلَى سَبْعَةِ أَحْرَفٍ؟

فقال (ع): كذبوا - أعداء الله - ولكنه نُزِّلَ عَلَى حَرْفٍ وَاحِدٍ مِنْ عِنْدِ الْوَاحِدِ. (کافی، ج ۲،

فقال (ع): كذبوا - أعداء الله - ولكنه نُزِّلَ على حَرْفٍ واحدٍ من عندِ الواحدِ . (کافی، ج ۲، ص ۶۳۰)

دشمنان خدا دروغ گفته‌اند قرآن بر یک حرف ، از نزد خدای یکتا نازل شده است .

و در حدیث صحیحی از زراره نقل است که امام محمد باقر (ع) فرمودند : إِنَّ الْقُرْآنَ وَاحِدٌ نُزِّلَ مِنْ عِنْدِ وَاحِدٍ وَلَكِنَّ الْاِخْتِلَافَ يَجِيءُ مِنْ قِبَلِ الرَّوَاةِ . (کافی ج ۲ ص ۶۳۰)

قرآن یکی است و از نزد خدای یکتا نازل شده است ، اما این اختلافها از طرف راویان وارد می‌گردد .

و احادیث دیگری در این باره در کتابهای روایات یافت می‌شود که ذکر آن همه در این مختصر نگنجد .

با توجه به روایات مذکوره در این باب به خوبی در می‌یابیم که ائمه ما (ع) اعتقاد به نزول قرآن بر یک حرف داشته‌اند ، تا آنجا که امام صادق (ع) قائلین و مروجین اختلافات را دشمنان خدا خوانده‌اند و کارشان را دروغ و نسبتشان را ناروا دانسته‌اند .

و نیز فهمیده می‌شود قرائت رائج در میان مسلمین یک قرائت بوده است که امام (ع) مردم را به آن ارجاع می‌دهند .

آراء علماء شیعه در باره قراءات و تواتر آن

جمهور علماء شیعه در باره اختلاف در قراءات و تواتر آن به دیده تردید نگریسته‌اند ، برخی اصل اختلافات را با استناد به دلائلی که بعضی از آن در بخشهای قبل مذکور گشت مردود دانسته و دامن زدن به آن را کاری اشتباه می‌دانند و طبیعی است که این دسته منکر تواتر آن هستند مانند حضرت امام خمینی (ره) در (کتاب آداب الصلوة) و حضرت آیه الله خوئی در (البیان فی تفسیر القرآن) و آیه الله محمد جواد

بلاغی نجفی در (تفسیر آلاء الرحمن) و مرحوم محقق قمی در (قوانین الاصول) و شهید سید مصطفی خمینی در (تفسیر القرآن العظیم) و آیه الله فاضل لنکرانی در (مدخل التفسیر) و آیه الله محمد هادی معرفت در (التمهید فی علوم القرآن) و گروهی نیز به دیده احتیاط در باب آن سخن گفته و قراءات را به طور نسبی و به تواتر از قراء می دانند مانند: شهید ثانی در (المقاصد العلیه) و گروهی قلیل نیز راه افراط پیموده و بر خلاف آراء صریح ائمه علیهم السلام اختلاف در قراءات را تأیید نموده و آنرا متواتر از پیامبر (ص) می دانند مانند: شهید اول در (الذکری) و مرحوم آیه الله شعرانی در (مقدمه منهج الصادقین) و آیه الله حسن زاده آملی در (فصل الخطاب) .

سید محمد مجاهد طباطبائی در این باره می گوید :

در اینکه آیا قراءات سبع مشهور متواترند یا نه سه قول هست :

اول: آنکه مطلقاً متواترند ، و همه آنها مما نزل به الروح الامین علی قلب سید المرسلین اند و قائلین آن علامه ابن مطهر ، ابن فهد ، محقق ثانی ، و شهید ثانی در مقاصد العلیه ، شیخ حر عاملی و محکیا از فاضل جواد و در شرح وافیه از سید صدرالدین آمده که معظم مجتهدین از اصحاب ما به تواتر قراءات سبع حکم داده اند و در تفسیر کبیر رازی گفته که بیشتر علماء رأیشان به تواتر است .

دوم: آنکه قراءات سبع قسمتی از آنها از قبیل هیأت است ، مانند مدّ ولین ، تخفیف همزه ، اماله و امثال آنها ، و اینها غیر متواترند و تواتر آنها واجب نیست ، و قسمتی از آنها چون جوهر لفظ است ، مانند : ملک و مالک اینها متواترند و این رأی شیخ بهائی و ابن حاجب و عضدی است .

سوم: آنکه مطلقاً متواتر نیستند ، و هر چند از جوهر لفظ باشند و این رأی شیخ طوسی در تبیان ، نجم الاثمه در شرح کافیه ، جمال الدین خونساری ، سید نعمه الله جزایری ، شیخ یوسف بحرانی و سید صدرالدین و محکی از ابن طاووس در کتاب سعد السعود و رازی و زمخشری است و کلام حرفوشی به این رأی مائل است . (نقل

نتیجه:

آنچه از بررسی آراء علماء شیعه در باره قراءات بدست می آید :

۱ - اختلاف در قراءات قابل اسناد به پیامبر خدا (ص) نمی باشد چون آن حضرت فرموده اند : « لو أنّ الناس قرؤوا القرآن كما أنزل ما اختلف اثنان » (بحارالانوار، ج ۸۹، ص ۴۸) یعنی اگر مردم قرآن را آنگونه که نازل شده است قرائت نمایند دو نفر نیز اختلاف نکنند .

و قابل اسناد به ائمه (ع) نیز نیست چون در حدیث معتبر از امام باقر(ع) نقل است که آن حضرت فرمودند : « ان القرآن واحد نزل من عند واحد ولكن الاختلاف يجيء من قبل الرواة » .

۲ - سکوت ائمه هدی علیهم السلام در مقابل اختلاف در قراءات نشان تأیید آن نیست چون آن بزرگان از باب تقیه گاهی همراهی هایی نموده اند ولی آنجا که از ناحیه مخالفین مطالبی به پیامبر خدا (ص) نسبت داده می شد که آثار زیانبار و گرانی برای اسلام داشت به شدت در مقابل آن ایستاده و آن را مردود اعلام نموده اند مانند : پاسخ حضرت امام صادق (ع) به سؤالی در باره نزول قرآن بر هفت حرف که آن حضرت قاطعانه و کوبنده فرمودند : کذبوا - اعدا الله - ولكنه نزل علی حرف واحد من عند الواحد (اصول کافی، ج ۲، ص ۶۳۰) و حضرت امام باقر (ع) نیز فرموده اند : انّ القرآن نزل من عند واحد ولكن الاختلاف يجيء من قبل الرواة (اصول کافی، ج ۲، ص ۶۳۰)

۳ - تواتر قرآن و قراءات دو امر متغایر و مختلف است ، قرآن ما بین الدفتین آن است که به تواتر از امت اسلامی سینه به سینه و نسل به نسل مشافهه و کتباً منتقل گردیده و این تواتری محکم و غیر قابل خدشه است و قراءات مختلفه چون نقل

تواتر قرآن مانند وجود پیامبر اسلام به روشنی صبح می ماند و برای اثبات تواتر قرآن به قرائت عاصم متوسل نمی شویم. عاصم یکی از آن هزاران بوده است که قرآن را به قرائت عامه مردم خوانده و حفص نیز آن را روایت نموده است و اگر قرآن موجود با قرائت مختلفه در روایات نسبت دارد نه آن است که حفص تنها اینگونه روایت کرده است بلکه تدوین کنندگان قرائت از آن هزاران به یک اکتفا نموده اند و گویی عاصم نماینده آن جماعت بسیار یعنی ناس می باشد. آن کسانی که امام صادق (ع) به قرائت ایشان ترغیب نموده اند و فرموده اند: *اقروا كما یقرا الناس* (اصول کافی، ج ۲، ص ۶۳۲)

۴- قرائت صادره از قراء اختیارات و ابداعات ایشان است و ایشان با مقارنه بین قرائت به ایجاد قرائت خاص خود مبادرت نموده اند در این باره از قول نافع بن ابی نعیم مدنی یکی از قراء سبعة و از مشایخ ایشان نقل می کنند که گفته است:

ادرکت هؤلاء الخمسة و غیرهم... فنظرت الی ما اجمع علیه اثنان منهم فأخذته و ما شد فیہ واحدٌ ترکته حتی ألفت هذه القراءة. (کتاب السبعة ابن مجاهد، ص ۶۲)
و اقوال دیگری هست که بر این ادعا صحه می گذارد مانند قول ابن ندیم در باره کسانی که گفته است:

وکان الکسانی من قراء مدینه الاسلام وکان اولاً یقرأ الناس بقراءة حمزة ثم اختار لنفسه قراءة فأقرأ بها الناس. (الفهرست ص ۳۰)

و ابن جزری نیز در باره ابو عمرو بن العلاء قریب به این مضمون گفته است که طالبان می توانند به کتاب (غایة النهایة ج ۲ ص ۳۷۶) مراجعه فرمایند.

۵- اعتقاد به تواتر قرائت تلاش تدوین کنندگان قرآن در صدر اسلام و خوف ایشان از اختلاف مردم در قرائت قرآن را بی پایه و اساس می داند. آیا تلاش امام علی (ع) در جمع و تدوین کتاب خدا و ارائه آن به مردم مشحون از اختلافات

باصطلاح مرویه از رسول خدا بوده است و یا جمع - آوری قرآن و تدوین آن توسط عثمان و تلاش برای وحدت امت بر قرائت واحد، پایه و اساسی نداشته است. آیا سوزانیدن مصحفهای برخی از مسلمین بدان سبب نبوده که وسیله و ابزاری برای اشاعه اختلافات می‌گردیده است و کتابت آن توسط برخی از مردم خلاف مانزل به روح الامین بوده است.

و آیا این پندار صحیح نیست که ترویج اختلافات در قراءات بعد از توحید مصاحف، احیاء آن اشتباهاتی بوده است که عثمان و دیگران در صدد از بین بردن و زدودن آن از ساحت جامعه مسلمین بوده‌اند.

۶- در صورت متواتر دانستن قراءات منقوله از قراء دیگر محلی برای برشمردن عوامل اختلاف در قرائت و یا اسباب اختلاف در قرائت باقی نمی‌ماند. برشمردن این عوامل و اسباب در کتابهای مختلف علم قراءات دلالت واضحی بر رد تواتر قراءات و اعتبار آن دارد.

۷- در سلسله قاریان و راویانی که قرآن را از یکدیگر فرا گرفته‌اند تناقضاتی در قرائت و یا روایت به چشم می‌خورد که محل اعتبار قراءات و تواتر آن است. مثلاً کسائی (م ۱۸۹) قرائت خود را از ابوبکر بن عیاش شعبه (۱۹۳-۹۵) که از راویان قرائت عاصم است اخذ نموده و ابوبکر بن عیاش قرائت عاصم را روایت کرده است ولی اختلافات بسیاری در قرائت کسائی و عاصم است. چگونه است که حلقه اتصال یکی است ولی وجوه اختلاف بسیار. آیا این دلالت بر اجتهاد قاری و اختیار قرائت مورد نظر خود ندارد.

۸- حدیث سبعة أحرف هیچ دلالت و تأییدی بر قراءات هفتگانه ندارد، به فرض صحت صدور این حدیث از ساحت مقدس نبی اکرم (ص) تا آن هنگام که ابن مجاهد قاریان سبعة (۳۵۰ هـ) را برگزید و قراءات سبعة را متداول نمود کسی به قراءات هفتگانه اشاره‌ای ننموده است.

و آنچه از طریق شیعه به ما رسیده این است که سبعة أحرف غیر از قراءات و الفاظ آن است: و با بررسی آراء علماء شیعه در باره قراءات و تواتر آن این نتیجه حاصل می‌گردد که اکثر علماء شیعه که مقرون به اجماع است معتقدند قراءات مختلفه اعم از مشهور یا غیر مشهور متواتر نبوده و آحاد است.

۹- جمهور علماء شیعه در باره اختلاف در قراءات و تواتر آن به دیده تردید نگریسته‌اند، برخی اصل اختلافات را با استناد به دلائلی که بعضی از آن در بخشهای قبل مذکور گشت مردود دانسته و دامن زدن به آن را کاری اشتباه می‌دانند و طبیعی است که این دسته منکر تواتر آن هستند و گروهی نیز به دیده احتیاط در باب آن سخن گفته و قراءات را به طور نسبی و به تواتر از قراء می‌دانند و گروهی قلیل نیز راه افراط پیموده و بر خلاف آراء صریح ائمه علیهم السلام اختلاف در قراءات را تأیید نموده و آنرا متواتر از پیامبر (ص) می‌دانند.

منابع و مأخذ:

- ۱- القرآن الکریم.
- ۲- الاتقان فی علوم القرآن، جلال الدین عبدالرحمن السیوطی المکتبة الثقافیة، بیروت، لبنان ۱۹۷۳ م.
- ۳- اصول کافی، ابی جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق الکلینی الرازی.
- ۴- آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، محمد جواد البلاغی، مطبعة العرفان، صیدا ۱۳۵۰ ه.ق.
- ۵- آداب الصلوة، حضرت امام خمینی (ره)، دفتر نشر آثار امام خمینی.
- ۶- بحار الانوار، الشیخ محمد باقر المجلسی، مؤسسة الوفاء، بیروت، لبنان، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ه.ق، (۱۱۰ - جلدی) چاپ ۱۹۸۸.
- ۷- البیان فی تفسیر القرآن، السید ابولقاسم الموسوی الخوئی، المطبعة العلمیة، فی النجف الاشرف ۱۳۷۷ ه.ق.
- ۸- تفسیر القرآن العظیم، شهید سید مصطفی خمینی، چاپ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ایران.

- الاشرف ۱۳۷۷ ه.ق.
- ۸- تفسیر القرآن العظیم، شهید سید مصطفی خمینی، چاپ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ایران.
- ۹- جامع البیان فی تفسیر القرآن، ابی جعفر محمد بن جریر طبری، دارالمعرفة، بیروت، لبنان، ۱۴۰۶ ه.ق.
- ۱۰- تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، ملا فتح الله کاشانی.
- ۱۱- التمهید فی علوم القرآن، الشیخ محمد هادی معرفة، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، چاپ دوم، مهر ۱۳۶۶.
- ۱۲- الذکری، شهید اول.
- ۱۳- غایة النهایة فی طبقات القراء، محمد بن محمد الجزری (۸۳۳ ه) القاهرة مكتبة الخانجي، ۱۳۵۲ ه.ق.
- ۱۴- فصل الخطاب، حسن حسن زاده آملی.
- ۱۵- الفهرست، ابن الندیم (۴۳۸ ه) تحقیق رضا تجدد، چاپ دانشگاه تهران.
- ۱۶- قوانین الاصول، للمحقق الفقیه، میرزا ابولقاسم القمی (متوفی ۱۲۳۱ ه)، چاپ سنگی.
- ۱۷- لسان العرب، ابن منظور (۷۱۱ ه) نشر ادب الحوزه، قم، ایران، محرم ۱۴۰۵ ه.
- ۱۸- منجدالمقرئین، ابن الجزری، مطبعة الوطنية الاسلامية، قاهره، ۱۳۵۰ ه.ق.
- ۱۹- مفردات، راغب اصفهانی.
- ۲۰- المقاصد العلیة، شهید ثانی.
- ۲۱- مدخل التفسیر، آية الله محمدفاضل لنکرانی، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۷۱ ه.ش.

Archive of SID